

تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان فولکلور آذربایجان بر اساس داستان قاچاق نبی و ضرب المثل‌های رایج از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی

رسول بابازاده^۱

حبیب‌الله زنجانی^۲

سیف‌اله سیف‌اللهی^۳

چکیده

در این مقاله پس از مروری بر چگونگی شکل‌گیری فولکلور آذربایجان و زمینه‌های ارتباط آن با مسائل ادبی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، به عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری و تحول فولکلور اشاره شده است. برای تحلیل و تبیین از نظریه‌های تحلیل گفتمان لاکلا و موف، نظریه تحلیل انتقادی فرکلاف و نظریه تفسیر فرهنگ کلیفورد گیرتز به عنوان چارچوب نظری و مفهومی استفاده شده است و از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به عنوان روش تحقیق بهره گرفته شده است. داده‌های متنی تحقیق از منابع معتبر فولکلوریک آذربایجان به ویژه داستان قاچاق نیانتخاب شده و نمونه‌های تحلیل به روش نمونه‌گیری هدفمند برگزیده شده است. نتایج تحلیلی این تحقیق نشان می‌دهد که فولکلور آذربایجان به عنوان زبان شفاهی مردمان این ملت، با توجه به فضای اجتماعی و سیاسی زمان خود، دارای گفتمان‌های تقابلی مختلفی است که قاطبه مردم از آن برای بیان مقاصد، مطالبات و انتقادات خود از اوضاع و مناسبات اجتماعی استفاده می‌کنند.

کلید واژه‌ها: فولکلور، زبان، آذربایجان، نظریه گفتمان، نورمن فرکلاف.

^۱ - دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (مستخرج از رساله دکتری)

^۲ - استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران. (نویسنده مسئول)
ha_zanjani yahoo .com

^۳ - استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

مقدمه

زبان سند هویت هر ملت است و موجودیت هر ملت با حضور و موجودیت زبانی آن در عرصه‌های ملی و جهانی بنیان نهاده می‌شود و آینه‌ای است که هر ملت خود را در گذرگاه تاریخ در آن مشاهده می‌کند. فولکلور در دامن خود، دارای فضای مفهومی و گفتمان سیاسی و اجتماعی است و شناخت فضای گفتمانی و مفهومی آن در تداوم اتحاد قومی و آگاه‌سازی مردمان آن بی‌تأثیر نیست. فرهنگ عامه و فولکلور آذربایجان که ریشه در فرهنگ و ادبیات و بافت فرهنگی آذربایجان دارد، دارای ساختارهای معنایی گوناگون می‌باشد که در شکل و قالب و در محتوای آن دارای سرشتی دیالکتیکی است و چنان با سنت‌های جاری و ساری و گذشته آن پیوند خورده است که نه تنها فرهنگ سنتی و پیشا تاریخی آن را منعکس می‌کند بلکه می‌توان آن را مصداق کامل ساختار اسطوره‌ای، نمادین، صلابت و اصالت قومی و جهان بینی این ملت در نظر گرفت و فهم کامل آن از مسیر دست‌یازی به تفسیر و بررسی بینامتنی اشکال زبانی و مفاهیم نهفته در آن میسر خواهد شد. یکی از راه‌های پی‌بردن به تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تعیین گرایش‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های مردم در میان جوامع در ادوار و زمان‌های مختلف، تحلیل گفتمان زبان متداول و عام یک جامعه است. گفتمان حاکم در هر دوره متأثر از عوامل گوناگونی چون فرهنگ، اقتصاد، ایدئولوژی، گذشته تاریخی، شکل حکومتی و شیوه زندگی است. فولکلور و فرهنگ عامه آذربایجان با داشتن زبان و فرهنگ خاص خود، به عنوان ابزاری برای بیان اهداف، مقاصد و گرایش‌های این ملت عمل کرده است و واجد گفتمان‌های متعدد در عناصر زبانی و فولکلوریک خود هست. فولکلور و فرهنگ عامه آذربایجان در درون خود بیانگر تعدادی گفتمان میان نهادها و عوامل به وجود آورنده خود، سیاست و قدرت حاکمه می‌باشد که در بستری از تحولات و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است. فولکلور و فرهنگ عامه در جوامع بومی و محلی و در میان اقوام دارای جایگاه و اعتبار والایی است و یکی از مظاهر تاریخ و هویت یک جامعه را در برخورداری آن جامعه از فولکلور و ادبیات عامیانه قوی و غنی می‌دانند. در فولکلور تصاویری از جهان بینی، طرز تفکر و خصوصیات ملی و آداب و رسوم و معیشت مردم در اعصار مختلف تاریخ ارائه می‌شود.

هدف تحقیق

اهمیت تحلیل و تبیین جامعه شناختی گفتمان فولکلور آذربایجان را می‌توان با دو هدف عام و خاص بررسی کرد:

الف: هدف عام: اولاً مطالعه علمی فولکلور و فرهنگ عامه و فولکلور آذربایجان، ما را با قسمتی از تحولات فکری طبقه عام جامعه در مسائل مختلف با تأمل نوستالژیک به آن‌ها در مقاطع سرنوشت ساز تاریخی و اجتماعی آشنا می‌کند. ثانیاً با واکاوی مؤلفه‌های تشکیل دهنده گفتمان فولکلور آذربایجان با روش توصیفی و تحلیلی نه تنها رویکرد عام جامعه و مردم را می‌توان درک کرد، بلکه ایدئولوژی‌های نهفته در آن را نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد.

ب: همچنین این مطالعه می‌تواند در تهیه و تدوین سیاست‌های فرهنگی اقوام، برنامه ریزی و شناخت حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی و ارائه روشنگری‌های قومی و فرهنگی مسئولان و برنامه ریزان فرهنگی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

با توجه به این که تحقیق حاضر به بررسی گفتمان فولکلور و فرهنگ عامه آذربایجان می‌پردازد این حوزه پژوهش یک عرصه نوپاست، از این رو در این بخش تلاش می‌شود به چند مورد از تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده‌اند، اشاره مختصر شود. تحقیقی با موضوع تحلیل گفتمان موسیقی و آهنگ میهنی قره باغ^۱ توسط محمد زینالی اناری (۱۳۸۸) از عناصر فولکلور مردم کشور آذربایجان انجام شده است. در این تحقیق شعر- آهنگ قره باغ که در منطقه آذربایجان به عنوان یک آهنگ از مجموعه آهنگ های مردمی و قدیمی است، مورد مطالعه قرار گرفته و پس از انجام تحلیل گفتمان انتقادی، مشخص شد، گفتمان این شعر، شالوده شکنی گفتمان های مسلط در خصوص رفتار دیپلماتیک و تجارب سیاسی قبلی دولت آذربایجان بوده و اشاعه آن در فضای

^۱gharabag

فرهنگ عمومی آذربایجان، به دنبال استقامت ملی و فراملی مسلمانان درباره مسئله قره باغ است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شعر میهنی سوگولیم^۱ قره باغ در فرهنگ و فولکلور مردم آذربایجان دارای بار معنایی و گفتمانی سیاسی و اجتماعی است. تحقیقی دیگر با عنوان تحلیل اجتماعی گفتمان فولکلور در میان ترک زبانان ترکمن به عنوان رساله دانشگاهی در سال (۱۳۸۵) توسط علیرضا قبادی انجام شده است که در آن به تحلیل ویژگی‌های گفتمانی حاکم بر فولکلور ترکمن پرداخته شده است. در این تحقیق با استفاده از روش کیفی و با استناد به داده‌های مردم‌نگاری، گوناگونی‌ها و تنوع انگاره‌هایی از زندگی فرهنگی و اجتماعی قوم ترکمن مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

در این تحقیق به منظور انتخاب یک چارچوب نظری در تحلیل گفتمان فولکلور آذربایجان، نظریات مختلف تحلیل گفتمان مورد مطالعه قرار گرفت که از میان آن‌ها می‌توان به سه نظریه اساسی در این زمینه اشاره کرد.

رهیافت گفتمانی لاکلائو و موفه

ارنستو لاکلائو شنتال موفه با استفاده از نظریه فوکو نظریه گفتمانی به همه امور اجتماعی و سیاسی تعمیم داده و می‌کوشند با استفاده از این نظریه، موضوعات و پدیده‌های اجتماعی جامعه را تحلیل نمایند. «یکی از مفروضات این نظریه این است که جهان، پراکنده و پیچیده است و تنها از گذر مقوله‌بندی‌های گفتمانی ما درک می‌شود. البته باید توجه داشت که در این نظریه واقعیت بیرونی نسبی نیست، اما فهم از واقعیت همواره نسبی است و همچنین خارج از گفتمان‌ها هیچ قوانین عینی و ضروری وجود ندارد. جهت‌گیری تاریخ نیز روشن نیست. نظریه لاکلا و موف

^۱sovgolom

ریشه در دو سنت نظری ساخت گرا یعنی مارکسیسم و زبان شناسی دارد. مارکسیسم مبنای اندیشه اجتماعی را برای این نظریه فراهم می‌آورد و زبان شناسی ساخت گرای سوسور، نظریه مورد نیاز این دیدگاه پسا ساخت گرایانه را در اختیار قرار می‌دهد. مطابق نظریه آنها، کل حوزه اجتماع به مثابه شبکه‌ای از فرآیندهای متفاوت است که در آن معنی تولید می‌شود. از نظر سوسور، نشانه‌ها و کلمات، معنای خود را نه به واسطه ارجاع به جهان خارج، بلکه از طریق رابطه‌ای که بین یکدیگر در درون نظام زبانی برقرار می‌کنند، به دست می‌آورند. لاکلائو و موفه معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنا دار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد.» (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

نظریه تفسیری

کلیفورد گیرتز^۱ از مردم شناسان برجسته، از ارائه دهندگان این دیدگاه فکری، در پژوهش‌های خود بر عنصر نمادین یعنی نظام معناها در ارتباط با فرهنگ، تغییر فرهنگی و مطالعه فرهنگ تأکید داشته است. کلیفورد گیرتز (۱۹۷۳) می‌گوید معنایی که او از فرهنگ بر می‌گزیند در اساس مفهومی است نشانه شناختی، هم رای با ماکس وبر است که می‌گوید انسان حیوانی است تنیده در شبکه‌هایی از معناها که خود آنها را بافته است و کلیفورد گیرتز می‌گوید او فرهنگ را همان شبکه‌هایی می‌داند و معتقد است به همین سبب نباید تجزیه و تحلیل آن را علم و دانشی آزمایشگاهی و تجربی فرض کرد که به دنبال قوانین خود برمی‌آید، بلکه باید آن را شبکه‌ای در نظر گرفت مبتنی بر تفسیر و در جست و جوی معنا و آنچه که خود او به دنبال آن است، شرح است و بس. و البته توضیح می‌دهد و بلافاصله می‌گوید همین شرح و توضیح نیز نیازمند شرح و توضیح است. «کلیفورد گیرتز روش تجزیه و تحلیل فرهنگ را با روش نقد ادبی در زمینه تحلیل متن مقایسه می‌کند و می‌گوید همان‌سان که در ارتباط با یک متن سعی می‌کنیم ساختارهای معنایی آن

^۱Cliford Geertz

را برکشیم و زمینه‌های اجتماعی، معنا و اهمیتش را مشخص کنیم، قوم‌نگار هم می‌کوشد یک متن را بخواند و شکلی از خوانش و قرائت را سرو سامان دهد. به نظر گیرتزر رفتار انسانی، عملی نمادین است مانند آواها در سخن گفتن، رنگ‌ها در نقاشی، خط در نگارش یا اصوات در موسیقی. سپس می‌گوید فرهنگ امری است عمومی همان سان که نظام معناها الزاماً بیانگر خصوصیت گروهی معین است.» (پهلوان، ۱۳۸۸: ۱۲۲ و ۱۲۳)

نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

تحلیل انتقادی گفتمان^۱ رهیافتی بین‌رشته‌ای است که به مطالعه گفتمان و جوانب گوناگون آن می‌پردازد. این رهیافت زبان را به منزله شکلی از رویه اجتماعی می‌بیند و توجه خود را صرف آشکار کردن شیوه‌های سلطه اجتماعی و سیاسی می‌کند که در متن و گفتار دیده می‌شود. «تمرکز فعلی تحلیل انتقادی بر زبان و گفتمان ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد که به ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در بریتانیا و استرالیا پدید آمد.» (فرقانی، ۱۳۹۰: ۱۳۵) «روش تحلیل گفتمان می‌کوشد از روی آثار ظاهری گفتار و نوشتار، ساختار تولید و رابطه کلی آن را مطالعه کند. با این تکنیک، تحقیق بیشتر در قالب جامعه‌شناسی گفتار و نوشتار بررسی می‌شود. تحلیل گفتمان و دغدغه تحلیل‌گران آن این است که زبان چگونه به کار می‌رود. تمرکز تحلیل‌گران بر روی این موضوع است که با تبیین و توصیف پدیده‌ها به روش‌های مختلف چه نسخه خاصی از جهان، هویت یا معنا تولید می‌شود. با انتخاب هر روش تبیین و کنار گذاشتن روش دیگر، چه چیزی به دست می‌آید و چه چیزی از دست می‌رود.» (رپلی، ۱۳۹۰: ۲۷) «فرکلاف و وداک دو نظریه‌پرداز مطرح در عرصه نظریه تحلیل انتقادی، اصول اصلی تحلیل گفتمان انتقادی را به این ترتیب خلاصه می‌کنند.

^۱Critical discourse analyses

۱. تحلیل انتقادی به مسائل اجتماعی می‌پردازد.
۲. روابط قدرت، گفتمانی هستند.
۳. گفتمان، جامعه و فرهنگ را برمی‌سازد.
۴. گفتمان کارکردی ایدئولوژیک دارد.
۵. گفتمان تاریخی است.
۶. ارتباط میان متن و جامعه، با واسطه هست.
۷. تحلیل گفتمان، توصیفی و تبیینی است.
۸. گفتمان شکلی از کنش اجتماعی است.» (فرقانی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

نظریه تحلیل انتقادی نورمن فرکلاف که در تحلیل گفتمان حاکم بر متون، نوشتار و کلام شفاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از نظریه‌های منسجم در حوزه تحلیل زبان و کارکردهای عناصر زمینه‌ای نهفته در آن به شمار می‌رود. «از نظر فرکلاف تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول (سطح توصیف: گفتمان به مثابه متن) شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله (سطح دوم، سطح تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن) بحث از تولید و مصرف متون (سطح سوم، سطح تبیین: گفتمان به مثابه زمینه‌ای که این سه مرحله) متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی در آن بررسی و تحلیل می‌شوند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۹)

استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به عنوان چهارچوب تحلیلی تحقیق: با توجه به رویکرد فرکلاف یکی از نکاتی که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد رابطه گفتمان با ساختار اجتماعی و بافت سیاسی و اجتماعی است. گفتمان، نظامی از زبان است که یک اصطلاح‌شناسی خاص را توضیح می‌دهد و اشکال خاص دانش را کد گذاری می‌کند و اغلب برای اشاره به نظام‌های دانش و کارکردهای تداعی آن‌ها که در یک زمان خاص در بین مجموعه خاصی از مردم غلبه دارد، به کار می‌رود. گفتمان در زبان و لابه لای عبارتها، جملات و مفاهیم آن شکل

می‌گیرد. فولکلور به دلیل برخورداری از ویژگی‌های بیان ساده، خصلت فراگیری و عام بودن و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق و نگرش مردم جامعه، ابزار خوبی برای تحلیل مناسبات اجتماعی و بازتاب آن‌ها در زبان عامه مردم است. همچنین فولکلور و فرهنگ جدی‌ترین و ملموس‌ترین عناصر و قالب‌های زبانی و بیانی را از جهت در آمیختگی با ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی یک جامعه دارد و ساختارهای اجتماعی در تعیین و شکل دهی به آن نقش اساسی دارد. هیچ متن و گفتاری را نمی‌توان پیدا کرد که عاری از دیدگاه‌های شخصی گوینده و یا نویسنده... باشد. همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتار بی‌طرف و خنثی نیز امکان وجود و ظهور ندارد و با گفتارها یا گفتارهای وابسته به شخص یا حزب، گروه و ایدئولوژی خاص آن‌ها نیز ممکن است آمیخته شود. هیچ متن و گفتاری را نمی‌توان یافت که صرفاً رویداد و یا خبر محضی را برای مخاطبان خود القاء کند بلکه همه آن‌ها دارای پیام ایدئولوژیکی و تفسیری هستند که گفتارهای موجود در آن‌ها این عناصر را با خود به همراه دارند. فولکلور و فرهنگ عامه به عنوان زبان مردمی یکی از وجوه بارز ترسیم حقایق و بیان نگرش‌های مردم یک جامعه است و از مهم‌ترین قالب‌های زبانی برای بیان بینش‌ها، جهان بینی و حقایق اجتماعی محسوب می‌شود که نقش مهمی در بازآفرینی واقعیت‌های اجتماعی جامعه دارد و نمودهای کاملی از سنت، فرهنگ، هویت، اخلاق، مذهب روابط میان مردم و حاکمان و انعکاس سلطه و قدرت در مناسبات اجتماعی است. زمینه‌های اجتماعی و ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌ها و نوع گفتارهای رایج در یک زبان را رقم می‌زنند و گفتار هم به نوبه خود بر ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی‌های نهفته در ورای آن‌ها اثر می‌گذارد و نوع آن را معین می‌کند. تعامل کلامی یک شیوه کنش اجتماعی است و اثرات خود را بر روی ساختارها نشان می‌دهد و حتی آن‌ها را باز تولید می‌کند. این موضوع یادآور مفهوم دوگانگی ساختاری در دیدگاه گیدنز است که می‌گوید کنش‌ها هم تولید می‌شوند و هم به باز تولید اعمال و کنش‌های انسانی و اجتماعی کمک می‌کنند.

سئوالات تحقیق

در این تحقیق سئوال اصلی عبارت است از این که: عناصر فولکلوریک فرهنگ آذربایجان معرف وجود کدام گفتمان‌ها وایدئولوژی‌هایی است و چه شرایطی بر شکل‌گیری گفتمان‌های موجود در آن تاثیرگذار بوده است؟

روش تحقیق و روش تحلیل داده‌ها

این پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی^۱ و استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی^۲ انجام شده است. عملیات جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است که به منابع دست‌اول جهت به دست آوردن داده‌هایی در زمینه فولکلور و فرهنگ عامه آذربایجان رجوع شده است. شیوه تحلیل تحقیق هم به شیوه تحلیلی و توصیفی است. از آنجا که داده‌های این تحقیق از نوع متن هست، بنابراین برای تحلیل داده‌های متنی از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است. در این تحقیق از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، نمونه‌های فولکلوریک مورد نیاز برای تحقیق به صورت نمونه‌های هدفمند انتخاب شده است. «نمونه‌گیری هدفمند عمدتاً در روش‌های کیفی استفاده می‌شوند و عبارتند از گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سئوال‌های خاص تحقیق. «در نمونه‌گیری هدفمند محقق ویژگی‌های جمعیت مورد علاقه را مشخص ساخته و افراد دارای این مشخصات را پیدا می‌کند.» (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۲)

^۱Qualitative paradim

^۲Critical discourse analysis

تحلیل داده‌ها

تحلیل گفتمان داده‌ها و متون فولکلوریک آذربایجان با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام شده است که در دو بخش (شامل عناصر فولکلوریک داستان‌های عامیانه و ضرب‌المثل‌ها تحلیل شده است. در قسمت ذیل نکات مهم و خلاصه این تحلیل آورده شده است. داستان حماسی عامیانه قاجاق نبی^۱ (تبلورحسّ ناسیونالیستی و آرمان خواهی آذربایجان)

خلاصه داستان قاجاق نبی

«نبی» دهقان‌زاده‌ای فقیر و گمنام بود که به نزد اغنیاء و مالکین به چوپانی می‌پرداخت. روزی جرقه خشم پدرش «علی کیشی»، به ستمی ناروا و بیگاری در زمین ارباب چنان شعله‌ور می‌گردد که در اعتراضش به ظلم و نابرابری، غضب خان چنان اوج می‌گیرد که تن نیمه جان او را نقش زمین می‌کند و اینجاست که نبی با خشونت به اعتراض برمی‌خیزد و از واهمه انتقامی سخت، زادگاهش را به اجبار ترک می‌کند. مادرش «گوزل»^۲ مورد تهدید امنیه‌ها قرار می‌گیرد و نبی که با آنان درمی‌افتد، رشادت‌هایش، نام آورش می‌کنند و به سیمای مبارزی فراری درمی‌آید که جز قنطاق تفنگش بالیش بر بالینش دیده نمی‌شود. آوازه «قاجاق نبی» در ایل و محال می‌پیچد و هر جا که بیدادگری خان‌ها و اربابان، دمار از روزگار خلق درمی‌آورد او یکه تاز میدان می‌گردد و با حمایتی که وی از ستم‌دیدگان می‌نماید و حمایتی نیز که مظلومین از وی می‌کنند، در قلب مردم جای خود را هر روز وسیع و وسیع‌تر می‌یابد. دهقانان او را در میان خود می‌پذیرند و او هر از گاهی را در دهی می‌ماند و نام و نشان او از حکومتیان مخفی نگاهداشته می‌شود و بدینسان «قاجاق نبی» تجسم آمل و آرزوهای می‌گردد که تحقق آن‌ها چون آتشی زیر خاکستر، در دل‌های مردمان عصر و دیار، هر چند پنهان اما همچنان سوزان و روشن بود. اما «هجر»^۳ شیرزنی بی‌باک که

^۱Gochaq nabi^۲Gozal^۳hajar

دور از ایل و تبار به روی زین اسب و دوشادوش قاجاق نبی سرگشته دیاران است و شیفته رزم و دلیری. در سیر مبارزه، قاجاق نبی به عصیانگری شکست ناپذیر بدل می‌گردد که وقتی خصم بر او توان چیره‌گری نمی‌یابد با توطئه‌ای سازمان یافته «هجر» را به غل و زنجیر می‌کشند و در محبس‌اش می‌اندازند تا نبی را در دام اندازند. ... «هجر» با «مهدی»، یگانه یار و وفادار نبی کنار ارس می‌ماند و اما نبی، رهسپار رزم و ستیز می‌گردد و غافل از این که امیته‌های هر دو سوی ارس با تحریک مالکان و فئودال‌ها، آنی از آنان غافل نیستند. در غیاب نبی، تعدی حیثیت هجر می‌کنند که هجر، بی‌باک و دلیرانه پاس ناموس می‌دارد و مردانه می‌گشود و می‌رزمند و آوازه‌گردی و جسارتش تا دورترها می‌گسترد. کینه خصم، از نبی آنچنان اوج می‌گیرد که از هیچ دسیسه‌ای برای هلاک او فرو نمی‌مانند تا این که از مکر و فریب یک زن برای قتل نبی سود می‌جویند. زن مکار «شاه حسین» یکی از یاران نبی را با تطمیع و بذل طلاها و جواهر گول می‌زنند و روزی که نبی میهمان آنان است، او به ناروا مدعی آزار نبی به خویشتن می‌شود و شاه حسین از این ادعای کذب چنان می‌آشوبد که تفنگش را بر می‌دارد و پنهانی منتظر نبی می‌ماند. قاجاق نبی که بی‌خبر از همه جا با خیل یارانش سوی خانه رفیق می‌آمد هدف تفنگ شاه حسین قرار می‌گیرد و گلوله‌ها چنان کاری و عمیق بر دلش می‌نشینند که تنها مجالی می‌یابد چنین سخن گوید: «ای دوست، ای نامرد برای چه کشتی مرا؟ من که خاک پای تو بودم! چرا گذاشتی نامردمان و غداران به آرزوهایشان چنین آسان برسند؟... آی هجر! ای زیباترین سوگلی دیار! کجایی که یارت را کشتند؟! نبی ات را کشتند! در غربت، آن هم یک رفیق... ای مردمان، ای یاران، نبی را کشتند! نبی را که فدایی ایل و تبار بود و فریادرس بیچارگان!». (ذیحق، ۱۳۹۱: ۳۷)

داستان قاجاق نبی در سطح توصیف

داستان در سطح توصیف شرح یک رویداد تاریخی و سیاسی است. از لحاظ هم معنایی و تضاد معنایی می‌توان گفت که کلمات مالک و فئودال، ارباب، خان، دهقان، غربت و وطن، عاشق،

معشوق، ایل و خان، حامی و مظلوم، حکومت و رعیت، زن و شیرزن، اسب و رزم، مکر و حيله، دوستان، خائنان و ترس و غیرت، در این داستان مورد استفاده قرار گرفته است که از نظر داشتن معنا و بار ایدئولوژیک در مقابل هم قرا گرفته‌اند و در تقابل و تضاد معنایی هستند. متن زیر گویای این تضاد معنایی است. «نبی دهقان‌زاده‌ای فقیر و گمنام بود که به نزد اغنیاء و مالکین به چوپانی می‌پرداخت. روزی جرقه خشم پدرش «علی کیشی»، به ستمی ناروا و بیگاری در زمین ارباب چنان شعله ور می‌گردد که در اعتراضش به ظلم و نابرابری، غضب خان چنان اوج می‌گیرد که تن نیمه جان او را نقش زمین می‌کند و اینجاست که نبی با خشونت به اعتراض بر می‌خیزد و از واهمه انتقامی سخت، زادگاهش را به اجبار ترک می‌کند.» (ذیحق، ۱۳۹۱: ۳۷) «آوازه» قاجاق نبی» در ایل و محال می‌پیچد و هر جا که بیدادگری خان‌ها و اربابان، دمار از روزگار خلق درمی‌آورد او یگه تاز میدان می‌گردد و با حمایتی که وی از ستمدیدگان می‌نماید و حمایتی نیز که مظلومین از وی می‌کنند، در قلب مردم جای خود را هر روز وسیع و وسیع‌تر می‌یابد. دهقانان او را در میان خود می‌پذیرند و او هر از گاهی را در دهی می‌ماند و نام و نشان او از حکومتیان مخفی نگاهداشته می‌شود.» (همان: ۳۸)

تحلیل داستان در سطح تفسیر

داستان قاجاق نبی با ایفای نقش و شخصیت‌پردازی نقش اصلی آن (قاجاق نبی) شروع می‌شود، نبی دهقان‌زاده فقیری است که برای مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی تحمیل شده بر جامعه دهقانی زمان خود به مبارزه برخاسته است. شروع داستان وضعیت زندگی اجتماعی یک خانواده دهقانی را با جزئیات آن شرح می‌دهد. هدف داستان ارائه مدلی از مبارزه مردمی است که آن را در قالب یک داستان و موضوع حماسی و مردمی در فولکلور و ادبیات شفاهی آذربایجان جای داده است. مشارکین اصلی داستان، (قاجاق نبی) نماینده طبقه دهقانی و ماموران دستگاه سیاسی حاکم هستند که یک پیام اجتماعی و سیاسی را در ورای ساختار آن ارائه می‌نمایند. پیامی

که اعتراض و تظلم خواهی را به عنوان یک کلیشه ایدئولوژیک نظام بنیادین شناخت اجتماعی یا به عبارتی باز نمود ذهنی مشترک اعضای طبقه پایین و فرودست جامعه بیان می‌کند که در نتیجه بازنمودهای ذهنی افراد جامعه در ساختار آن از جمله، نگرش گروه‌های اجتماعی، تعصبات، غیرت و حمیت قومی، حس قومی به مسایل اجتماعی و سیاسی را با خود به همراه دارد. عبارات و کلمات داستان بازتاب وجود کشمکش و تضاد طبقاتی در یک جامعه استبدادی و بسته را نشان می‌دهند. این نوع نظام سیاسی با ایجاد فضای اختناق و بسته اجتماعی، قدرت اظهار نظر و رشد اندیشه‌های مردم سالارانه و رسیدن به آرمان‌های مردمی و حق طلبانه را از انسان‌ها و مردم عادی می‌گیرد و مردم را برای خدمت همه جانبه به دستگاه سیاسی حاکم تحت سلطه خود در می‌آورد. نبی به عنوان یک مصلح اجتماعی و رهبر شورشیان جامعه روستایی شهره عام و خاص می‌شود و با ورود به درون مردم و آگاه سازی آن‌ها، زمینه را برای اعتراض و انقلاب عمومی دهقانان آماده می‌کند. در این برهه خاص است که ایدئولوژی عدالت خواهانه توأم با حس ناسیونالیستی نبی مطرح می‌شود و پایه‌های حکومت سیاسی را رفته رفته دچار ترس و وحشت می‌کند تا جایی که دستگاه سیاسی جامعه و ماموران امنیتی آن برای مهار جنبش دهقانی دست به کار می‌شود. نقطه قوت قیام نبی تکیه بر نیروی عدالت خواه و ستم دیده طبقه دهقانی است که با فرآیند آگاه سازی دهقانان و بر ملا ساختن چهره استثمارگرایانه و ناعادلانه دستگاه سیاسی، زمینه‌های همه‌گیری شدن اعتراض اجتماعی را فراهم می‌نماید به گونه‌ای که جنبش قاچاق نبی زمینه تأثیر بر بعضی قیام‌های دوران مشروطه ایران، جمهوری‌های قفقاز شوروی سابق در اواخر قرن نوزده و برخی قیام‌های ناسیونالیست خواهانه دولت عثمانی سابق را به وجود آورد و نقطه الهام بخش حرکت‌های مردمی و جنبش‌های اجتماعی بعد از وقوع آن شد.

تحلیل داستان در سطح تبیین

شرایط اجتماعی و سیاسی متأثر از دوران تزار در آذربایجان در اوایل قرن بیستم و ظلم و ستمی که بر مردم دهقان پیشه از طریق این نوع حکومت سیاسی اعمال می‌شد و نابسامانی اوضاع اجتماعی، فقر و تنگدستی، جنگ جهانی اول و دوم و زیر پا ماندن طبقات پایین جامعه در اثر بی‌توجهی حاکمان جامعه، از جمله عواملی بودند که به شکل‌گیری اعتراض‌های مردمی علیه سیاست‌های حاکمان جامعه دامن زده بود. شیوه‌ارائه داستان این گونه القا می‌کند که ظلم و جور امنیه‌ها و تظلم خواهی مردم و طبقه دهقان زمینه‌گسترش اعتراضات مردمی را در بُعد وسیع‌تر فراهم کرده بود. داستان قاجاق‌نبی به منزله یک داستان شفاهی، فولکلوریک و رخدادی تاریخی و اجتماعی، دارای ابعاد کفتمانی مختلفی است که به اهم آن‌ها در موارد ذیل اشاره می‌شود:

الف- **کفتمان اجتماعی و فرهنگی:** کلمات و جملات داستان، حامل آداب و رسوم، باورها و زمینه‌های طبقاتی جامعه، هنجارها و ارتباط آن‌ها را با مسایل اجتماعی آذربایجان نشان می‌دهد. همراهی مردم روستاهای ستم دیده با نبی در اعتراض و مقاومت اجتماعی او، دوشادوش بودن زن در کنش‌های اجتماعی با مردان، بیانگر نوعی تعهد زن در یک محیط و فرهنگ آذری را گوشزد می‌کند.

ب- **کفتمان آرمان خواهی، مبارزه با تبعیض، بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی:** تقابل دو طبقه فرودست و طبقه حاکمه سیاسی جامعه در تمام جملات داستان مشهود است.

ج- **کفتمان اسطوره سازی:** حکایت فولکلوریک قاجاق‌نبی به عنوان یک کشاورز زاده از یک طبقه پایین جامعه، داستان شکل‌گیری یک جنبش اجتماعی در یک جامعه استبدادی را نقل می‌کند که فضای عینی و واقعی جامعه در این جنبش با او همراه و همگام می‌شود. قاجاق‌نبی در مبارزه خود با فضای استبدادی، به قهرمان توده خلق آذربایجان تبدیل شده و با انواع حيله و ترفندها پس از یک مبارزه طولانی توسط عمال دولت کشته می‌شود اما نبی به عنوان قهرمان داستان، به یک اسطوره مبارزات مردمی در فولکلور آذربایجان تبدیل می‌شود.

ضرب المثل‌های آذربایجان و تحلیل گفتمان انتقادی آنها

(۱) «یاغی یاغ اوسته توکوب، یارمانی یاوان قویوب «روغن را روی روغن ریخته، بلغورخالی مانده است.» (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲) یاغ و یارما (روغن و بلغور) دو واژه دارای ارزش تجربی هستند و اشاره به قوت روزانه دو طبقه جامعه (دارا و ندار) دارد. در این ضرب‌المثل از واژه‌های هم نشین و متضاد (یاغ و یارما یاوان) در معنی (روغن، بلغور، غذای خالی) استفاده شده است. جملات دارای زمان مجهول هستند و کنشگر نامشخص دارد. این ضرب‌المثل دارای بار ایدئولوژیک است و توجه به منافع بالاتر جامعه را نشان می‌دهد. تبعیض و بی‌عدالتی اصلی‌ترین کنایه این ضرب‌المثل است و دو گروه یا طبقه موجود در جامعه را با تشبیه به روغن و بلغور نشان می‌دهد.

(۲) یاخجی جوجه یومورتادا جوکگولدر «جوجه مرغوب در داخل تخم صدا می‌زند.» (همان: ۲۱) جوجه و یومورتا (جوجه و تخم) دو واژه هم نشین هستند. فعل جمله جوکگولدر (صدا کردن جوجه) فعل قطعیت را بیان می‌کند. این ضرب‌المثل دارای بار ایدئولوژیک است. این ضرب‌المثل اصالت و مردمی بودن یک شخصیت و نوع صدای سیاست و بازتاب آن را در جامعه بیان می‌کند.

(۳) دردلی دئیینگن اولار، غملی یاتاغان «دردمند دائما حرف می‌زند، غمگین هم خواب آلود است.» (همان: ۲۳) در این ضرب‌المثل دو واژه دردمند و غمگین (دردلی و غملی) هم نشین معنایی دارند. این دو واژه دارای بار ایدئولوژیک هستند. دردلی، غملی (دردمند و غمگین) آدم معترض و منتقدی است که در شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی لب اعتراض او باز است. عدم توجه به صدای مردم، شرایط اعتراض را در جامعه فراهم می‌نماید.

(۴) سو دوه نین بوغازینا یتشینده، بالاسینی ایاغینین آلتیندا قویار «آب که به گردن شتر رسید، بچه اش را زیر پا می‌گذارد.» (همان: ۲۳) آب (سو) و دوه (شتر) دو واژه هستند که دارای ارزش بیانی هستند. سو (آب) مظهر برکت و رونق و فراوانی است و وفور نعمت و برکت را به همراه خود می‌آورد. این واژه دارای بار تجربی و معانی استعاری مختلفی است و در موقعیتها و بیان

مقاصد مختلف کاربردهای متعددی دارد. واژه شتر از ارزش تجربی در این ضرب‌المثل برخوردار است. شتر در فولکلور آذری مناعت طبع و نماد طبقه بالا و فراست، هوش و ذکاوت است و از مؤلفه‌ها و شاخص‌های منزلت اجتماعی بالا محسوب می‌شود. شتر نماد طبقه اشراف و بالاترهای جامعه را مشخص می‌کند.

۵) قویون قوزونون آیاغین آیاخلاماز «گوسفند، پای بره را له نمی‌کند.» (همان: ۲۸) دو واژه قویون و قوزو (گوسفند و بره) دارای ارزش رابطه‌ای هستند و تضاد معنایی و تجربی دارند. قویون (گوسفند) در معنی فرد حاکم استفاده شده است و قوزو (بره) فرد کم‌توان و بی‌بضاعت را بیان می‌کند. این ضرب‌المثل رابطه بین طبقه حاکم و عموم جامعه و پایمال شدن حق طبقه بی‌بضاعت جامعه را نشان می‌کند و دارای بار منفی هستند. این ضرب‌المثل بار ایدئولوژیک دارد. گفتمان حدود قدرت و وظایف متقابل حاکم در قبال افراد جامعه، گفتمان مرکزی این ضرب‌المثل است.

۶) تانری اول، یاری اول «خدا باش، کمک رسان باش» (همان: ۳۱). تانری و یاری (خداوند، کمک رسان) دو واژه ارزشی و هم‌نشین هم هستند. خداوند یاریگر انسان‌هاست. این ضرب‌المثل بار ایدئولوژیک دارد و فعل و صفت مثبت را بیان می‌کند و صفت یاریگر بودن را به انسانها توصیه می‌کند و کمک به افراد زیر دست را به عنوان یک ویژگی انسانی و یکی از صفات ذات باری تعالی یادآوری می‌نماید.

۷) آبی لا بیر چوالا گیرمه (با خرس وارد یک گونی نباید شد). (همان: ۲۱-۳۳) فعل ضرب‌المثل یک فعل امری است و قطعیت عمل را بیان می‌کند. کلمه آبی (خرس) دارای ارزش تجربی و ایدئولوژیک است. خرس در جایگاه قدرت و شکوه و قدرتمندی قرار دارد. مضمون این ضرب‌المثل به عدم هم‌خانگی، هم‌سفرگی و همراهی دو طبقه جامعه در صحنه اجتماع اشاره دارد و تقابل این دو گروه را در زبان استعاری بیان می‌کند.

۸) الله ووران دوگونی بنده آچا بیلمز «گرهی که خدا زده باشد، بنده قادر به باز کردن آن نمی‌شود.» (اسلام زاده، ۱۳۷۹: ص ۲۱۳) در این ضرب‌المثل دو واژه تجربی به کار رفته است: الله

(خداوند) و دوگون (گره) در معنای مقدرات و مشکلات زندگی اجتماعی انسان‌هاست که خداوند برای انسان‌ها مقدر کرده است. فعل جمله آچاییلمز (قادر به باز کردن نیست) دارای بار منفی است و نوعی تسلیم در برابر امر مقدر شده را برای انسان یادآور می‌شود. کاربرد واژه خداوند بار ایدئولوژیکی به همراه دارد و گفتمان رجوع به دین و مذهب و تقدیر گرایی را در بین افراد جامعه نشان می‌دهد.

۹) آغانین مالی چیخاندا، نوکرین جانی چیخار «زمانی که پول ارباب (آقا) خرج می‌شود، جان نوکر به لب می‌رسد.» (اسلام‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۷) این ضرب‌المثل دارای کلمات متضاد آغا (آقا) و نوکر (نوکر) می‌باشد که تقابل و تضاد معنایی را به ذهن شنونده القا می‌کند. این دو واژه همچنین ارزش بیانی تجربی و ایدئولوژیکی دارند. آقا و نوکر جایگاه منزلتی و طبقاتی افراد را در فرهنگ جامعه یادآور می‌شوند. آقا به ارباب و شخص ثروتمند و مایه‌دار اطلاق می‌شود و نوکر کسی که در خدمت ثروتمندان و اربابان جامعه است. این دو واژه دارای بار ایدئولوژیکی هستند. گفتمان تضاد و تقابل، گفتمان اصلی این ضرب‌المثل است.

۱۰) آرواد بنا دیر، کیشی فحله «زن بناست و مرد کارگر.» (همان: ۲۱۹) واژه‌های آرواد (زن) و کیشی (مرد)، بنا و فحله (کارگر) واژگان هم‌نشین و دارای ارزش رابطه‌ای هستند. این ضرب‌المثل نوع منزلت اجتماعی دو جنس (مذکر و مؤنث) را در جامعه توضیح می‌دهد. مرد نان‌آور خانواده است و از او به عنوان اساس خانواده یاد می‌شود و زن نیز معمار و بنای آن است و هدایت‌گری این نهاد مقدس در اختیار زن قرار گرفته است. این دو واژه دارای معنای ایدئولوژیکی نیز هستند و حدود قدرت این دو عضو خانواده را آشکارا بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری

- ۱- گفتمان فولکلور آذربایجان، گفتمانی ایدئولوژیک و تقابلی دارد که اهداف آن توصیف و بازگویی مسایل و مشکلات اجتماعی مردم، روابط سیاستمداران و آحاد مردم جامعه و ارائه دانش قومی و فرهنگی به افراد این ملت می‌باشد.
- ۲- با تأمل در عناصر گفتمانی فولکلور آذربایجان می‌توان گفت زبان فولکلوریک در مضامین و مفاهیم و گزاره‌های گفتمانی خود با استفاده از کلمات و اصطلاحات خاصی همچون ارباب، خان، خان چوبان، دهقان، امنیه، سواره نظام، بیگ، کشیش، مسلمان، نوکر، دولت، و... به وجود طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف در درون ساختار قومی این قوم اشاره دارد که چالش بین جایگاه‌ها و پایگاه‌های موجود در گفتمان‌های فولکلوریک آذربایجان را رقم می‌زند و بازتاب روابط بین این گروه‌ها و طبقات اجتماعی و سیاسی را در بطن جامعه منعکس می‌نماید.
- ۳- گفتمان نقد سیاست و دستگاه سیاسی هسته کانونی گفتمان‌های عناصر فولکلوریک آذربایجان به شمار می‌رود. با جمع‌بندی ابعاد گفتمانی متون فولکلوریک آذربایجان بر اساس رویکرد فرکلاف، باید گفت که فولکلور آذربایجان از شرایط ساختاری و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمان خود تأثیر پذیرفته است و گفتمانی هژمونیک در فولکلور آذربایجان بر تمام وجوه، شرایط و مناسبات آن سایه افکنده است. این شرایط هژمونیک از هرم بالای جامعه و دستگاه سیاسی بر تمام شئون و ساختار اجتماعی پرتو افکنده است. بازتاب‌رهایی از سلطه و هژمونی دستگاه سیاسی بر ساختار اجتماعی جامعه با پناه بردن مردم به قهرمانان، استمداد از آنان برای حل و فصل شرایط و اوضاع و مناسبات اجتماعی و شکوه و بیزاری از قدرت سیاسی جامعه در گفتمان‌های عناصر فولکلوریک سیطره این هژمونی را تایید می‌کند.
- ۴- نگاه ایدئولوژیک عناصر گفتمانی فولکلور آذربایجان، مهیا ساختن ساخت ذهنی مخاطبان خود برای افشای ظلم و جور دستگاه سیاسی و مقاومت در برابر سلطه آن بوده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- آقاجانی، سعادت، (۱۳۹۰)، *مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان*، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۷، فروردین.
- ۳- احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم گرایی در ایران*، از افسانه تا واقعیت تهران: نی.
- ۴- اسلام زاده، کبیر، (۱۳۷۹)، *سیری در مردم شناسی میاندوآب*، فرمانداری میاندوآب.
- ۵- تقی زاده، رضا، (۱۳۹۳)، *در قلمرو شعر و ادب زبان ترکی*، تبریز: آناس.
- ۶- حمیدی، ذاکر و همکاران، (۱۳۹۴)، *نمونه‌های فولکلور اردبیل*، ارومیه: آینا.
- ۷- ذیحق، علیرضا، (۱۳۹۴)، *حماسه و محبت در ادبیات شفاهی آذربایجان*، خوی: سپید.
- ۸- رپلی، تیم، (۱۳۹۰)، *راهنمای عملی تحلیل گفتمان، گفتگو و سند*، ترجمه عبدالله بیچرانلو، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۹- سپهرفر، حسن؛ علی اکبرزاده، سیروس، (۱۳۸۷)، *ناغیل لار (قصه‌ها)*، ارومیه: دنیای کتاب واژه.
- ۱۰- صرّافی، علیرضا، فرهنگ‌مندی، احد و... (۱۳۹۴)، *بررسی‌ها و مثال‌هایی در فولکلور (آذربایجان)*، جلد دوم، ارومیه: آینا.
- ۱۱- صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۸۸)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۲- فائق، ابراهیم، (۱۳۷۵)، *آذربایجان در مسیر تاریخ ایران*، جلد یکم، تبریز: یاران.
- ۱۳- فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۷)، *گروه مترجمان، تحلیل انتقادی گفتمان*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۴- خرقانی، محمد مهدی، (۱۳۹۰)، *ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم*، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۴۸.

- ۱۵ - قبادی، علیرضا (۱۳۸۵)، تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان فولکلور قوم ترکمن در ایران معاصر، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- ۱۶ - محمدپور، احمد؛ عبدالهی، عادل، (۱۳۹۰)، پیامدهای توسعه اقتصادی، اجتماعی در گردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی، مجله روستا و توسعه، بهار، سال چهاردهم، شماره ۱، صص: ۵۹-۸۱.
- ۱۷ - منوچهری، عباس، (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- ۱۸ - مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۹۱)، نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، همشهری.
- 19 - Barth. ferdrik (1969) "introduction". in ethnic groups and boundaries: the social organization of culture difference. by Fredrik barth. london: allen&unwin.
- 20-Fairclough. N. (1989) , Creativity and Struggle in Discourse: the discourse of Thatcherism in Language and power in social life. London: Longman.
- 21 -Fairclough Norman (1992) Discourse and Social Change, Cambridge polity.
- 22 -Geertz. c. (1973) the interpretation of cultures: selected essays. newyork. basic books- .
- 23 -Knike, D. Felson, R. 1974. Ethnic stratification and politication Cleavage in the U. S. pp: 1952-1968-
- 24 -Mouffe, Chantal. (2005), On the Political. Routledge: New York.
- 25 -storry,john(1997)an introduction to cultural theory and popular culture,2nd edn. Routledge: New York
- 26 -Van Dijk, Teun A.(2008), Discourse and Powe, new York,Palgrave,Macmillan.